Www.arabimahya.com

کد کنترل

163

F

163F

آزمون (نیمه‌متمرکز) ورود به دوره‌های دکتری ـ سال ۱۴۰۱

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

دفترچهٔ شمارهٔ (۱)
صبح جمعه ۱۴۰۰/۱۲/۶

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری
سازمان سنجش آموزش کشور

رشتهٔ زبان و ادبیات عربی
(کد ۲۱۱۰)

جدول مواد امتحانی، تعداد، شمارهٔ سؤال‌ها و زمان پاسخ‌گویی

مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شمارهٔ	تا شمارهٔ	زمان پاسخ‌گویی
مجموعه دروس تخصصی: ـ ترجمه و تعریب متون ـ صرف و نحو ـ علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض) ـ تاریخ ادبیات عربی ـ درک و فهم متون ادبی (قدیم و جدید)	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱۲۰ دقیقه

این آزمون نمرهٔ منفی دارد.

استفاده از ماشین‌حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤال‌ها به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفان برابر مقررات رفتار می‌شود.

*** متقاضی گرامی، وارد نکردن مشخصات و امضا در کادر زیر، به منزلهٔ غیبت و حضور نداشتن در جلسهٔ آزمون است.**

اینجانب ..... با شمارهٔ داوطلبی ..... با آگاهی کامل، یکسان‌بودن شمارهٔ صندلی خود را با شمارهٔ داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ‌نامه و دفترچهٔ سؤال‌ها، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچهٔ سؤال‌ها و پایین پاسخ‌نامه‌ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

■■ عيّن الأنسب و الأدقّ في الجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم (۱-۱۰)

۱- **« ألا تَرِيعُ أيّها الإنسان على ظَلَعِك و تعرفُ قُصور ذرعِك!»:**

هان ای مرد! .....

۱) تو که از عیب خود با خبری، چرا کوتاه‌دستی خود را نمی‌بینی!

۲) چرا مدام از دیگران خرده می‌گیری و کوتاه‌دستی خود را نمی‌بینی!

۳) چرا موقعیّت و جایگاه خود را نمی‌شناسی و کوتاه‌دستی خویش را نمی‌بینی!

٤) عیب خود را در نظر بگیر و از کوتاه‌دستی خود آگاه شو تا بتوانی آن را ببینی!

۲- **عيّن الصحيح:**

۱) حُبّ السّلامة يَثني هَمَّ صاحبه عن المَعالي: عافیت‌طلبی، اندوه آدمی را در نرسیدن به مقامات والا می‌زداید.

۲) اِربأ بنفسك أن ترعَى مع الهَمَلِ: نفس خود را پرورش بده تا همراه و همدم بزرگان، قدرت و توان گیرد.

۳) ما أضيقَ العيشَ لولا فُسحة الآمال: اگر گستردگی امیدها نبود، چقدر زندگی سخت می‌شد.

٤) حِلية الفضل زانتني لدى العَطَلِ: زیور دانش، به‌گاه بیکاری زینت‌بخش زندگی است.

۳- **« قد يغرب العقل ثمّ يؤوب و يكدر الماء ثمّ يصفو، فكلّ غمرة فإلى انجلاء! فإن أسأت فلا تيأس، إنّي سأُقيم على دأبي في الإبقاء على ودّي، طمعًا في إنابتك»:**

۱) عقل گاهی عقب می‌نشیند سپس به حال خود باز می‌گردد، و آب تیره می‌شود سپس به صافی می‌گراید، پس هر تاریکیی به سمت روشنائیی است! تو نیز اگر بدی کردی نا امید مشو، که من به امید توبه کردن تو بر راه و روش خود در ادامهٔ دوستی‌ام باقی خواهم ماند.

۲) عقل حتماً دورگشته سپس به راه خود رجوع می‌کند، و آب گل‌آلود زلال می‌گردد، پس هر غباری ناگزیر روزی از بین می‌رود! اگر اشتباهی کرده‌ای جبران کن و امید داشته باش که من برای باقی نگه‌داشتن رشتهٔ دوستی به بازگشت تو امیدوار می‌مانم.

۳) هر تاریکیی روزی روشن خواهد شد همان‌گونه که عقل چون از بین برود باز خواهد گشت، و آب اگر کدر شود زلال خواهد گشت! اگر خطا کردی امید خود را از دست مده که من به توبهٔ تو امیدوارم و به دوستیمان وفادار خواهم ماند.

٤) عقل اگر دور شود حتماً برمی‌گردد و آب کدر ناچار صاف می‌شود و هر تیرگیی روشن خواهد شد! تو نیز چون بدی کردی امیدوار باش که من برای برگشت تو مودّتمان را حفظ خواهم کرد و بر آن پایدار خواهم ماند.

٤- « و في الحَيّ أحوَى، يَنفُضُ المَردَ شادنٌ مُظاهِرُ سِمطَي لؤلؤ و زَبَرجَدِ»:

محبوب من در قبیله .....

۱) آهوی سیه‌چشمی را می‌ماند که شاخه‌های درختان را تکان می‌دهد و ظاهری بسان گردنبندی از مروارید و زبرجد دارد.

۲) مانند آهویی زیبا است که لبانی تیره دارد و ثمرهٔ درختان را می‌تکاند و تظاهر می‌کند گردنبندی از مروارید و زبرجد دارد.

۳) آهوی زیبایی است که لبهای گندمی دارد و غبار از شاخه‌ها کنار می‌زند و گردنبندی از مروارید و زبرجد به گردن آویخته است.

٤) مانند آهویی است سیه‌چشم و گندمگون لب و درازگردن که گردنش را برای خوردن میوهٔ درخت بالا آورده و گردنبندی از مروارید و زبرجد روی هم به گردن آویخته است.

٥- « أحسَى قَرابينَه صَرفَ الرَدى و مَضى يَحتثُّ أنجى مَطاياه مِن الهَرَب»:

۱) حادثهٔ مرگ را برای مقرّبان خویش ترتیب داد و رفت و نجات‌دهنده‌ترین مرکب را برای گریز برگزید.

۲) جام مرگ را به قربانیهای خود نوشاند و رفت در حالی‌که برای گریختن نجات دهنده‌ترین مرکب خود را می‌راند.

۳) لباس مرگ را به مقرّبان خود پوشانده و رفت در حالی‌که مرکبش را تشویق می‌کرد که بگریزد و خود را نجات دهد.

٤) جام مرگ را به مقرّبان ویژهٔ او نوشاند و رفت در حالی‌که بهترین و گرانبهاترین چیزهایی را که از مرکبها نزدش بود، به فرار تشویق می‌کرد.

٦- « ما زلت أُقيم في هواه عُذري حتّى رجع العاذلُ يهواه معي»:

۱) ليس لي في حبّه عذر حتّى عاد العاذل معي يحبّه ترحّمًا عليّ.

۲) ما زلت أُقيم في الهوى العذري حتّى صار اللائم عاشقًا له مثلي.

۳) أُقيم في حبّه دائمًا و أنا معذور حتّى يرجع اللائم باللّوم على هواه و أنجو من لومه.

٤) كلّما لامني اللائم في هواه كنت أُبيّن أسراري في المحبّة فاستمررت في ذلك حتّى عشقه هو أيضًا.

۷- عيّن الصحيح فيما يستنبط كليًّا من العبارة التالية:

« كَلِفتُ مُذ ميطت عنّي التّمائمُ و نيطت بي العَمائمُ بأن أغشَى مكانَ الأدب»:

۱) تحمّل التّعب بواسطة التّعويذات و الحرمان عن طلب الأدب.

۲) الحرص على طلب العلم و الأدب بعد الاجتياز من عهد الطّفولة.

۳) الضّجر و الاستياء إثر تعويذات الطّفولة و الحبّ و الاشتياق إلى الأدب.

٤) الاجتياز من مرحلة الطّفولة و الحصول بواسطة الأدب على مكانة مرموقة .

Www.arabimahya.com

۸- « **جالب این است که اوّلین نمونهٔ شعر فارسی، به همان اندازه که نمونهٔ قدیمی‌ترین شعر به زبان فارسی دری است، قدیمی‌ترین شعر اسلامی این زبان هم بشمار می‌آید!**»:

۱) من الطّريف أنّ أوّل نموذج للشعر الفارسي، يعدّ أقدم شعر إسلامي في هذه اللغة بنفس نسبة اعتباره نموذجًا لأقدم شعر باللغة الفارسيّة الدرية!

۲) ممّا يلفت النظر أنّ أوّل نموذج للشعر الفارسي، بمقدار ما يعتبر أقدم شعر بالفارسية الدرية في عين الحال يعتبر أقدم الأشعار الفارسية الإسلامية!

۳) من الجدير بالذكر أنّ النموذج الأوّل من الشعر الفارسي، يعدّ أقدم الأشعار الإسلامية في هذه اللغة بنفس النسبة الّتي يعتبر أقدم شعر باللغة الفارسيّة الدرية!

٤) من الظّريف أنّ النموذج الأوّل من الشعر في اللغة الفارسية، يعتبر أقدم الأشعار الإسلامية بنفس المقدار الّذي يعتبر أوّل نموذج للشعر في الفارسيّة الدرية!

۹- « **برخلاف آنچه غالباً تصوّر می‌شود، کار علمی در عالم اسلام از همان قرن اوّل هجری در عرصهٔ قابل توجّهی شروع شد!**»:

۱) على عكس ما تتصوّره الغالبية من الناس، فإنّ العمل العلمي في عالم الإسلام شرع من القرن الأوّل الهجري في نطاق يلفت للنظر!

۲) على خلاف ما يُتصوّر عامّةً، فإنّ النشاط العلمي في العالم الإسلامي أخذ يظهر بشكل ملفت للنظر منذ القرن الأوّل للهجرة!

۳) خلافًا للتصوّر السّائد، فإنّ النشاط العلمي في العالم الإسلامي بدأ منذ القرن الأوّل الهجري بالذّات على نطاق ملفت للنظر!

٤) عكس ما يتصوّر العموم، فإنّ العمل العلمي في عالم الإسلام ظهر من القرن الأوّل الهجري بالذّات على نطاق يجلب الأنظار!

۱۰- « **مهم‌ترین فرمانروای سیسیل یعنی فردریک دوم با زبان عربی آشنایی داشت و در سال ۱۲۲۸ میلادی به قصد شرکت در جنگهای صلیبی به بیت‌المقدس رفت.**»:

۱) إنّ أبرز حكّام صقلية أي فردريك الثاني كان له إلمام باللّغة العربية و توجّه بنفسه في سنة ألف و مائتين و ثمان و عشرين الميلادية إلى بيت المقدس للمشاركة في الحروب الصليبية.

۲) أهمّ الحكّام في صقلية كان فردريك الثاني و هو كان متضلّعًا من اللّغة العربية و في سنة ألف و مائتين و ثمان و عشرين قصد السفر إلى بيت المقدس ليشارك في حروب الصليبيين.

۳) إنّ أعظم حكّام صقلية أي فردريك الثاني كان عارفًا باللغة العربية و في عام ثمانٍ و عشرين بعد الألف و المائتين سافر بنفسه إلى البيت المقدّس و شارك في الحروب مع الصليبيين.

٤) الحاكم الأبرز من بين حكّام صقلية كان فردريك الثاني و يجيد اللغة العربية فتوجّه إلى البيت المقدّس في عام ثمانية و عشرين بعد الألف و المائتين ليشارك في الحروب الصليبية.

■■ عيّن المناسب في الجواب عن الإعراب و التحليل الصرفي (١١-١٥)

١١- ﴿زَعَمَ الَّذين كفروا أن لن يُبعَثوا﴾. عيّن الخطأ:

١) كفروا: فعل ماضٍ، مبني للمعلوم، فاعله ضمير الواو البارز و الجملة فعلية و صلة و عائدها ضمير الواو

٢) أن: حرف مخفّف من « أنّ» المشبّهة بالفعل، اسمه ضمير الشأن تقديره « أنّه» و خبره جملة « لن يبعثوا»

٣) يبعثوا: مضارع، مجرّد ثلاثي، مبني للمجهول، منصوب بحرف « لن» و علامة نصبه حذف نون الإعراب، و نائب فاعله ضمير الواو البارز

٤) زعم: فعل من أفعال القلوب أو التّحويل لليقين، و هي من النواسخ، اسمه « الّذين» و المصدر المؤوّل « أن لن يبعثوا» مفعول به و قد سدّ مسدّ مفعوليه

١٢- « فلينظروا أيّنا أمضى عزيمة!». عيّن الخطأ:

١) ينظروا: فعل مضارع مجزوم بحرف اللام، و من ملحقات أفعال القلوب في التّعليق عن العمل في جميع الأحوال، وفاعله ضمير الواو البارز

٢) أمضى: مشتق و اسم تفضيل (مصدره: مَضاء)، نكرة و مقصور ، خبر مفرد للمبتدأ « أيّ» و مرفوع بضمّة مقدّرة

٣) عزيمة: جامد و مصدر (جمعه: عزائم)، تمييز مفرد أو ذات و منقول عن المبتدأ، و مميّزه « أمضى»

٤) أيّ: اسم استفهام و معرب، مبتدأ و خبره « أمضى» و الجملة اسمية قد سدّت مسدّ المفعولين لفعل « ينظروا»

١٣- « كفى بك داءً أن ترى الموتَ شافيًا و حَسبُ المنايا أن يكنّ أمانيا». عيّن الخطأ:

١) ترى: فعل مضارع مهموز العين، فاعله ضمير « أنت» المستتر و مفعوله « الموت» و الجملة مصدر مؤوّل و فاعل لفعل « كفى»

٢) كفى: فعل ماضٍ و فاعله ضمير الكاف في « بك»، و مفعوله المصدر المؤوّل « أن ترى» تأويله: رؤيتك

٣) بك: الباء حرف جر زائد، و الكاف ضمير متّصل في محلّ نصب مفعول‌به لفعل « كفى» مقدّم على الفاعل

٤) يكنّ: مضارع من الأفعال الناقصة، اسمه ضمير النون و الجملة مصدر مؤوّل و خبر للمبتدأ « حسب»

١٤- « فقلتُ عساها نار « كأسٍ» (محبوبة الشّاعر) و علّها تشكّى فآتي نحوها فأعوذها». عيّن الخطأ:

١) قلت: ماضٍ – للمتكلّم وحده – معتل و أجوف (إعلاله بالحذف) – مبني للفاعل أو للمعلوم / فعل و فاعل، و مفعوله مقول القول « عساها ...» في محلّ نصب

٢) آتي: فعل مضارع – للمتكلّم وحده – مجرّد ثلاثي – معتل و ناقص / فعل مرفوع بضمّة مقدّرة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوبًا تقديره « أنا»

٣) تشكّى: فعل مضارع – للغائبة – مزيد ثلاثي (أصله: تشتكي، من باب افتعال) / فعل و فاعله الضمير المستتر، و الجملة فعلية و خبر « علّ»

٤) عسى: من النواسخ، اسمها ضمير « ها» و خبرها « نار»، و يُجعل ضمير النصب نائبًا عن ضمير الرفع

Www.arabimahya.com

۱۵- « فأكثرُ ما تلقَى الفقير مُداهنًا و أكثرُ ما تلقَى الغنيّ مُرائيا». عيّن الصّحيح:

۱) « مداهنًا» و « مرائيًا» حالانِ من المفعول به، لا تصلحان للخبريّة، و الخبر في الجملتين محذوف وجوبًا

۲) « ما» في « ما تلقى» موصول حرفيّ، و هو و صلته في محلّ الرفع على الخبرية

۳) « ما» موصول اسمي، و هو مضاف إليه لِـ « أكثر» و فاعله في المعنى

٤) « مداهنًا» و « مرائيًا» حالان من المبتدأ، و هما خبران في محلّ الرفع

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱٦-۳۰)

۱٦- عيّن المضارع المؤكّد معربًا:

۱) هل تلزمَنّ نفسك أن تكتسب الفضائل و تغيّر عاداتها المذمومة؟!

۲) ليتها تدعوَنّني أن أشترك في الندوة فأزور أصدقائي القدماء!

۳) لا يُسيطرَنّ عليك اليأس، فيسقطك على الأرض!

٤) ألا تَفيانّ بعهدكما لمّا تعدانِ؟!

۱۷- عيّن جملة لها محلّ من الإعراب:

۱) إن تجتنب الكذب إذا أنا أُسرّ!

۲) و الله إن تخلص عملك ليضاعفنّ أجرك!

۳) من يجاهد يفز في الحياة!

٤) زميلي شارك في المراسيم يوم أُلقيت المحاضرة!

۱۸- عيّن ما يجوز فيه حذف العائد:

۱) اِعمل في حياتك الدّراسيّة ما أنت عامل.

۲) جاء من الزّملاء الّذي إيّاه دعوت إلى الورشة.

۳) رأيت من هو يحترم الآخرين عندما يساعدهم.

٤) تكلّمت حول هذه العويصة مع من هو في الندوة.

۱۹- عيّن الصحيح (في اسم الفعل):

۱) حَيّوا على المعروف؛ فالوقت ضيّق!

۲) شتّان الأمرُ أيّها الأمير!

۳) عندك الوعي فإنّ العدوّ خدّاع!

٤) الغفلة بَلْهَ أيّها الواعي!

۲۰- عيّن الخطأ (في عمل المصدر):

۱) ضربك في الأرض سيعينك على اكتساب خبرات جديدة نافعة.

۲) رجائي أن لا تنقطع عنّي علاقاتك لأنّني أفرح بزيارتك.

۳) إلهي رحماتك العباد جعلتهم مجترئين على الذّنوب.

٤) استقرارك في قلب الآخرين يطلب إحسانك إليهم.

۲۱- عيّن ما يختلف فيه نوع « اللام» عن البقية:

۱) ﴿ و الّذين هم لأماناتهم و عهدهم راعون﴾

۲) ﴿ و علّمناه صنعة لَبوسٍ لكم﴾

۳) ﴿ سمّاعون للكَذب أكّالون للسُّحت﴾

٤) ﴿ منّاع للخير مُعتدٍ أثيم﴾

۲۲- عيّن الصّحيح عن دخول لام الابتداء على معمول الخبر:

۱) إنّا لَإلى الحقّ سوف نَميلُ! ۲) إنّ المنافقين لَعَنِ الصّراط لَناكبون!

۳) إنّ الله لَعَنِ المُؤمنين رَضيَ! ٤) إن المعلّم لفي هذا اليوم لم يسأل عنّي!

۲۳- عيّن الصّحيح في البناء للمجهول:

۱) عاقبَ المعلّمُ الكسولَ ← عُوقب الكسولُ من المعلّم.

۲) خَوّلَنا اللهُ الحريّة في الحياة ← خُوّلت الحريّةُ في الحياة.

۳) ذهبتُ بالفتاة إلى المدرسة ← ذُهِبتُ بالفتاة إلى المدرسة.

٤) ذهبتُ بالفتاة إلى المدرسة ← بالفتاة ذُهب إلى المدرسة.

۲٤- عيّن العبارة الّتي يجب حذف « الواو» فيها:

۱) وقف الطّالب و ما تكلّم شيئًا. ۲) ما رأيتُ كتابًا، إلاّ و له ثمن باهظ.

۳) ضحكتَ و شرُّ البليّة ما تضحك عليها. ٤) هذا البيان و لاشكّ فيه إذا تمعن النظر.

۲٥- عيّن الواو لا تكون إلاّ معيّة:

۱) بعد غياب الشّمس طلع النجم و القمر في السّماء.

۲) نجحت أنا و اثنتين من زميلاتي في الامتحان.

۳) كلّ طالب و جهده متلازمان في العمل.

٤) إنّ الله يرزقنا و إيّاكم لو كنّا كادحين.

۲٦- الأنسب في مواجهة من لايجتهد كما يليق أن نقول له:

۱) إجتهد! ۲) مجتهدًا! ۳) اجتهادًا! ٤) اجتهادٌ!

۲۷- عيّن الخطأ في مفهوم العبارة:

۱) لا حولٌ و لا قوّةَ = لا تستعمل في الفصيح هذه العبارةُ ففيها ركاكة!

۲) لا حولٌ و لا قوّةَ = تأكيد النفي لـ « حول» و « قوّة» أشدّ من بقيّة العبارات!

۳) لا حولَ و لا قوّةَ = تأكيد النفي على عدم وجود « القوّة» أشدّ من حالة الرفع (قوّةٌ)!

٤) لا حولَ و لا قوّةَ =لا نجد أيّ مصداق لِـ « حول» و لكن ربّما لِـ « قوّة» ليس كذلك!

۲۸- أيّ تابع من التّوابع التالية فيه نوع من الوصف!

۱) دعوته أُستاذي إلى المشاركة في المحاضرة. ۲) ذهب زيد الأُستاذ إلى المحاضرة.

۳) شارك الأُستاذ هو في مجلس المحاضرة. ٤) جاء الأُستاذ زيد إلى محاضرة القسم.

۲۹- عيّن الخطأ:

۱) أجدني ناجحًا حين أُساعد الآخرين! ۲) رأيتني في خطر عندما أرى ذلك!

۳) ظننتني قادرًا على تحمّل هذا العبء! ٤) ناديتُني ألاّ أقوم بذاك الفعل!

Www.arabimahya.com

۳۰- **عيّن الصّحيح** (في تقديم المعمول على العامل):

۱) المسألة هل أدركتها و حللتها!
۲) الكتاب إن تقرأ تجد فيه خيرًا كثيرًا!
۳) الرّسالة لأنا مرسلة إلى صاحبها!
٤) ذهبت إلى المعرض لكنّني أيّ شيء ما اشتريت!

■■ **عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۳۱-٤۰)**

۳۱- **« لأنت أسودُ في عيني من الظُّلَم». عيّن العيب الّذي أخلّ بفصاحة الكلمة:**

۱) الثّقل!
۲) تنافر الحروف!
۳) الغرابة!
٤) مخالفة القياس الصرفيّ!

۳۲- **عيّن الصحيح:**

۱) « فما الحداثةُ عن حِلمٍ بمانعةٍ» ← صيغت الجملة على أساس الأصل، فكلٌّ في موقفه الأصلي!
۲) « قد يوجَد الحِلمُ في الشّبّان و الشّيب» ← المخاطب لم يكن يدري ما يريد المتكلّم أن يخبره!
۳) « فإنّما هي إقبال و إدبار» ← ضرب الخبر إنكاريّ، فالمخاطب كان منكرًا الموضوع!
٤) « إنّكم لتقلّون عند الطّمع» ← المخاطب كان مردّدًا فيما يتكلّم عنه صاحب الكلام!

۳۳- **عيّن الصحيح عن القصر:**

۱) « بك اجتمع الملكُ المبدّد شمله» ← قصر الموصوف على الصّفة!
۲) ﴿ و ما نعبدُهم إلاّ ليقرّبُونا إلى الله زُلفى﴾ ← قصر الصفة على الموصوف!
۳) ﴿ إنّما نحن مصلحون﴾ ←القائلون ادّعوا أنّ إصلاحهم لا ينبغي أن ينكَر فيه!
٤) « و ما لإمرئ طول الخلود فإنّما يخلّده طول الثّناء فيخلُدُ» ← المراد من القصر المبالغة!

۳٤- **عيّن <u>الخطأ</u>:**

۱) ﴿ إذ تستغيثون ربّكم فاستجاب لكم﴾ ←لا مجال للشكّ في استجابة الله عند الاستغاثة!
۲) ﴿ ففريقًا كذّبتم و فريقًا تقتلون﴾ ← فعل التكذيب ينتهي لكن فعْل القتل لاينتهي من جانبكم!
۳) ﴿ يُخادعون الله و هو خادعهم﴾ ← فعلهم يزول و يفنى، و أمّا فعل الله فلا يزول و لا يفنى!
٤) ﴿ قالوا أجئتنا بالحقّ أم أنت من اللّاعبين﴾ ← المقصود: ربّما لم تكن أنت قبل هذا هكذا، ولكن الآن تريد أنت أن تلعب بنا!

۳۵- **عيّن ما <u>يختلف</u> فيه سبب الفصل عن البقيّة:**

۱) ﴿ و ما أُبرّئُ نفسي إنّ النّفس لأمّارةٌ بالسُّوء﴾
۲) ﴿ إنّ مَثَل عيسى عندالله كمثَل آدم خَلَقه من ترابٍ﴾
۳) ﴿ فوسوس إليه الشّيطان قال يا آدمُ هل أدُلُّك على شجرة الخُلد﴾
٤) ﴿ و ضرب لنا مَثَلاً و نَسي خلقه قال من يُحيي العظام و هي رميمٌ﴾

۳۶- عيّن الصحيح عن نوع التشبيه في البيت التالي:

« كأنّ قلوبَ الطّيرِ رَطبًا و يابسًا لَدى وَكرها العنابُ و الحَشفُ البالي»

۱) المفردان المقيّدان بالمفردين المقيّدين ۲) الملفوف

۳) المركّب بالمرّكب ٤) الجمع

۳۷- عيّن الخطأ عن الاستعارة:

۱) « كُلّما سمع هَيعةً طار إليها» ←الجامع داخلٌ في مفهوم الطّرفين!

۲) ﴿ و قَطّعناهم في الأرضِ أُممًا﴾ ←الجامع غير داخلٍ في مفهوم الطّرفين!

۳) « لَدى أسدٍ شاكي السّلاح مُقذّفٍ» له لِبَدٌ أظفاره لم تُقلّمِ ←فيه التّرشيح و التّجريد!

٤) « فَتًى كُلّما فاضت عيونُ قبيلةٍ دَمًا ضَحِكت عنه الأحاديثُ و الذِّكرُ» ← في البيت الاستعارتان، مكنيّة تخييليّة و تصريحيّة تبعيّة!

۳۸- عيّن نوع المجاز في « لأمرٍ ما جدع قَصيرٌ أنفَه»:

۱) المجاز المركّب بالاستعارة ۲) المجاز المفرد المرسل

۳) المجاز المركّب المرسل ٤) المجاز المفرد بالاستعارة

۳۹- « رأى العقيقَ فأجرى ذاك ناظره مُتيَّم لَجَّ في الأشواق خاطره». عيّن نوع الصنعة البديعية:

۱) الاستخدام ۲) الإرصاد ۳) المزاوجة ٤) التجريد

٤۰- عيّن الخطأ عن حذف « ن» الأفعال الّتي تحتها خطّ اعتمادًا على وزن الشعر:

۱) و إن تَكُ طيّئٌ كانت كِرامًا فَوَردانٌ لِغَيرهم أبوهُ (من الوافر)

۲) أبشِر بعَون الله إن تَكُ مُحسِنًا فالمرءُ يُحسن طَرفةً قَيْعانُ (من الكامل)

۳) إن يَكِ صَبرُ ذي الرُّزيّة فَضلاً تَكُنِ الأفضَلَ الأعزَّ الأجَلّا (من الخفيف)

٤) فإن يَكِ سَيّارُ بنُ مُكرَمٍ انقضى فإنّك ماءُ الوَردِ إن ذهب الوَردُ (من الطويل)

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤۱-۷۰)

٤۱- عيّن الصحيح عن خصائص الشّعر الجاهلي:

۱) نزعة تقليدية قبلية مع سيطرة المادية على الأخيلة و التفكير، كما يتّسم بالواقعية و الخطابية.

۲) مزيج من اتّباعية و ابتداعية و إباحية و صوفية متّصف بالتصنّع و البديع و جمال الموسيقى.

۳) وليد الغناء و الزّخرفة و نعيم الحياة، و قد ازداد تأنّقًا و ثروة بيانية و بديعية.

٤) نزعة شخصية و نظرة عقلية و أخيلة خصبة.

Www.arabimahya.com

٤٢- «شاعر أموي مجيد في رثائه ماهر في تهكّمه، و لسخريّته في أهاجيه جعله الحجّاج شاعره الخاصّ فوصله ببني أمية و مدحهم و نال جوائزهم». من هو؟

١) الأخطل ٢) جرير

٣) أحوص ٤) الوليد بن يزيد

٤٣- « شاعر مصري متصوف، نظم معظم أشعاره الصوفيّة بمكّة، له ديوان صغير وقفه على الغزل الصوفي، أسلوبه الإغراق في البديع و الصنعة». من هو؟

١) أبو العتاهية ٢) بشّار بن برد

٣) ابن الفارض ٤) أبونواس

٤٤- عيّن الصحيح عن مؤلّفي الكتب التالية على التوالي:

« صبح الأعشى في صناعة الإنشاء – المُستطرَف في كلّ فنّ مُستظرف – خزانة الأدب – البديع – طبقات الشعراء»

١) جمال‌الدين الوطواط – ابن فضل‌الله العمري – شهاب‌الدين النويري – ابن رشيق – سهل بن هارون

٢) القلقشندي – ابن فضل‌الله العمري – جلال الدين السيوطي – أصمعي – مفضّل ضبّي

٣) جمال‌الدين الوطواط – الأبشيهي – ابن عربشاه – أبوالعباس ثعلب – ابن السكّيت

٤) القلقشندي – الأبشيهي – البغدادي – ابن المعتزّ – ابن سلّام الجمحي

٤٥- « شاعر عبّاسي مِيّال إلى استيفاء المعاني، متأثّر في أسلوبه بالفلسفة و المنطق، يغلب عليه الوصف». من هو؟

١) البحتري ٢) ابن الرومي

٣) أبوتمّام ٤) ابن المعتزّ

٤٦- عيّن <u>الخطأ</u>:

١) يُعتنى بموسيقى الكلمات و الحروف و الأصوات الموحية في الاتّجاه التصنّعي.

٢) التّصنع إنّما هو مذهب أصحاب الدّواوين و الكتابة الديوانية.

٣) التّصنع هو الخروج عن الطّرق الطبيعية في التعبير الفنّي.

٤) مظاهر مذهب التّصنيع هي السّجع و البديع و التّرصيع.

٤٧- عيّن الصحيح عن سبب ازدهار العلم و الأدب في عصر الدول و الإمارات مع كلّ ما فيه من تدهور سياسي:

١) وحدة التاريخ الأدبي في العالم الإسلامي.

٢) اهتمام الملوك و الخلفاء بالثّقافة العربية و الإسلامية.

٣) امتزاج الثّقافات المختلفة و ارتقاء الحضارة الإسلامية.

٤) تعدّد العواصم الثّقافية و تنافس أمرائها في العلم و الأدب.

٤٨- عيّن الخطأ عن أسباب نشأة الزّجل و الموشّحات في الأندلس:

١) إنّ الزجل في بدايته أُغنية شعبية لم تبدأ إلّا حين تمّ ازدواج اللّغة العربية في الأندلس لانقسامها بين لهجة دارجة و أُخرى مكتوبة.

٢) التفنّن العروضي و الميل إلى الأعاريض المهملة الّتي لم يألفها الذوق العامّ في المشرق من العوامل المهمّة في نشأة الموشّحات.

٣) إنّ المسمّطات كانت هي الأساس الذي انبثق عنه الموشّح و أكثر منها الشعراء المحافظون الّذين لم يألفوا نظم الموشّح.

٤) الحاجة الشعبية إلى الغناء و التأثّر بالأُغنيات الشعبية الأعجمية يومئذ من أسباب نشأة الزجل.

٤٩- عيّن ما ليس بصحيح عن رسالة « التوابع و الزوابع»:

١) إنّ المقامة المضيرية لبديع الزمان هي الّتي ألهمت ابن شهيد رسالة «التوابع و الزوابع» و أوحت بها إليه.

٢) في رسالة التوابع و الزوابع نرى صلة بين ابن شهيد و بديع الزمان، فابن شهيد يريد محاكاة بديع الزمان في مقاماته.

٣) أنّ رسالة «التوابع و الزوابع» كـ « رسالة الغفران» رحلة إلى ماوراء الواقع لكنّهما تتباينان في الموضوع و لا تلتقيان أيّ التقاء.

٤) رحلة التوابع و الزوابع لابن شهيد تدور على ما شاع على ألسنة العرب في العصر الجاهلي من تصوّر الشياطين للشعراء يلهمونهم أشعارهم.

٥٠- عيّن الخطأ عن الإجازات العلمية الثلاث في العصر المملوكي:

١) الإجازة بعراضة الكتب. ٢) الإجازة بالمرويّات.

٣) الإجازة بالفتيا. ٤) الإجازة بالتفاويض.

٥١- عيّن الخطأ عن الحياة الفكرية و الثقافية في العصر العثماني:

١) ظهور النّزعة العربية من خلال المحافظة على تقليد الشّعر العربي القديم و بوادر الوحدة العربية الفكرية.

٢) ظهور الاهتمام بالأدب العربي ببلاد الشّام و مصر و غيرهما من الأقطار العربية دون تفريق بين بلد و آخر.

٣) استمرار التخصّص الوراثي في الأدب فيؤكّد هذا الأمر على ظهور الأُسر الأدبية الّتي توارثت الأدب و الفقه و غيرهما.

٤) اقتصار الاعتزاز بالعروبة على العرب فإنّنا رأينا غير العرب ممّن لم يؤمن بقدسية اللغة العربية و لم يفضّل اللسان العربي على غيره.

٥٢- « إنّه رائد الكتابة المسرحية العربية، حوّل بيته إلى مسرح. له مسرحيّات «البخيل» و «أبوالحسن المغفّل أو هارون الرشيد» و «الحسود السليط». من هو؟

١) مارون النقّاش ٢) أبو خليل القبّاني ٣) جورج أبيض ٤) سليم النقّاش

۵۳- عيّن من لا يُعتبر من أصحاب الرومنطيقية:

۱) إلياس أبوشبكة ۲) إيليا أبوماضي ۳) عمر أبوريشة ٤) أبوالقاسم الشابّي

٥٤- عيّن الخطأ عن مدارس النثر الحديث:

۱) جمعَ أتباع مدرسة التجديد بين القديم و الحديث.

۲) مدرسة المحافظة بدأت مع الشّيخ ناصيف اليازجي.

۳) يُعتبر الشيخ محمّد عبده من أركان مدرسة الاعتدال.

٤) المترجمون الّذين نقلوا آثار الغربيين أو اقتبسوا منهم الأساليب، كانوا من أتباع مدرسة التجديد.

٥٥- عيّن الخطأ عن المفهوم المستنتج من العبارة التالية: «الشعر تعبير عن تجربة شعوريّة في صورة موحية»

۱) الشعر لايحكي الواقع، بل هو حصيلة ما يراه الشاعر من الواقع.

۲) إنّ الكلمات قبل أن تمزج بحياة الشاعر لا تجد طريقًا لِلتّمظهر في شعر الشّاعر.

۳) إنّ كلمات الشاعر في شعره ليست مقتطفة من المعاجم، بل هي ما ذاقها طيلة حياته.

٤) الشعر فارغ عن الأُصول و القواعد الّتي يصوغها أصحاب الظاهر، بل ذلك بيان أمر ذهني.

٥٦- عيّن الصحيح: الهدف الغائي من العمل الأدبي هو أن يعطينا.....

۱) تأثّرًا شعوريًّا و عاطفيًّا بالحقائق إضافة إلى إضاءة العقل.

۲) صورًا انفعالية بحتة فارغةً عن التأثّرات العقليّة.

۳) حقائق علمية و عقلية و اجتماعية.

٤) تعبيرًا عميقًا عن الواقع.

٥٧- عيّن الصحيح عن «المدرسة السلافية» في الأدب المقارن:

۱) مدرسة روسيّة، أُطلق عليها اسم «المدرسة النمطية».

۲) مدرسة أميركية، تقوم على البنية الجمالية و التشكيلية للنصّ المقارن.

۳) مدرسة عربية، تهتمّ بتطبيق الخصائص الأدبية على الآداب العالمية.

٤) مدرسة فرنسيّة، أُطلق عليها «المدرسة التقليدية» أو « المدرسة التاريخية».

٥٨- عيّن الخطأ عن ميادين العمل في الأدب المقارن:

۱) دراسة مصادر الكاتب من الآداب الأجنبية. ۲) دراسة الأجناس الأدبية في الأدب القومي.

۳) دراسة مذهب أدبي ظهر في عدّة آداب. ٤) دراسة بلد كما يصوّره أدبٌ آخر.

٥٩- عيّن الصحيح عن الجماعات و المدارس التابعة للمدرسة الواقعية في الأدب:

۱) جماعة أبولو ۲) مدرسة المهجر ۳) مدرسة الالتزام ٤) مدرسة الديوان

٦٠- عيّن الخطأ عن المدرسة الكلاسيكية في الشعر:

۱) تتبع أُصول «فنّ الشعر» لأرسطو. ۲) تتجاهل الفلسفة العقلية.

۳) تعتمد على نظريّة المحاكاة. ٤) تُعتبر مذهبًا اتّباعيًّا.

Www.arabimahya.com

٦١- **عيّن الصحيح:** التعقيد المعنوي من سمات المدرسة .....

١) الكلاسيكية ٢) الواقعية ٣) الرمزية ٤) الرومانسية

٦٢- **عيّن الصحيح عن غاية الأدب عند الشكلانيين:**

١) خدمة الأغراض الأخلاقية و التعليمية. ٢) الأدب ذاته، و هي غاية جمالية.

٣) التأثير على الجماهير الكادحة. ٤) إبراز القيم النفعية للشكل.

٦٣- **عيّن الخطأ عن نظريّة الشكلانية الروسية:** ينبغي أن يوجّه النقّاد عنايتهم إلى .....

١) أدبيّة الأدب. ٢) المفاهيم الأدبية.

٣) الإستراتيجيّات اللغوية. ٤) الأساليب اللغوية.

٦٤- **عيّن الصحيح عن البنيوية التكوينية:**

١) اعتقدت بدور المؤلّف و أهميته.

٢) حاولت استدراك عيوب البنيوية الشكلية.

٣) رفضت العلاقة بين البنية السطحيّة و البنية التحتية.

٤) جاءت ردًّا على الفصل بين داخل النص و خارجه.

٦٥- **عيّن الخطأ:**

١) من المآخذ على التفكيكية هي تركيزها على الكتابة.

٢) حَكم التفكيكيّون على النصوص جميعًا بعدم الانسجام و الترابط.

٣) التفكيكية لا تدعو إلى التنوّع الثقافي و الحضاري و تعدّد تجارب الشعوب.

٤) من إيجابيات التفكيكية هي إفساح المجال لتعدّد الأصوات و عدم احتكار المعرفة.

٦٦- **عيّن الصحيح عن المستنبَط من العبارة التالية:**

«إنّ غاية النقد الأدبي هو تقويم العمل الأدبي من الناحية الفنّية و بيان قيمته الموضوعية على قدر الإمكان، لأنّ الذاتية في تقدير العمل الأدبي هي أساس الموضوعية فيه»

١) إنّ السعي وراء تجريد الناقد من ذوقه تجاه العمل الأدبي و السير نحو الاتّجاه الموضوعي هو أساس تقويم العمل الأدبي.

٢) إنّ النظرة الذاتية تتمحور حول إصلاح العمل الأدبي، فلا تعتمد على النظرة الموضوعية إليه.

٣) لا يخلو النقد القويم من النظرة الواقعيّة إلى النصّ و كذلك العلمية فإنّ الموضوعية تطلب ذلك.

٤) بين النقد الذاتي و النقد الموضوعي تفاعل في عملية الاستنباط، فلا نفصل الواحد عن الآخر.

٦٧- **عيّن الصحيح عن المأخذ الأساسي على منهج عبدالقاهر الجرجاني في النقد:**

١) اقتصاره على النقد اللغوي البحت.

٢) إغفاله عن المنطق اليوناني في النقد.

٣) الاهتمام اللازم بالتفاعل بين اللفظ و المعنى.

٤) إغفاله عن الجانب الصوتي في اللغة و عدم التصريح بذلك.

۶۸- عيّن الخطأ عن الهرمينوطيقا الحديثة:

۱) لا أثر للمؤلّف إيجابًا أو سلبًا في عمليّة فهم النص.

۲) تؤكّد على الاهتمام بالخلفيّات و الافتراضات المسبقة.

۳) لا تنصّ على اتّخاذ منهج معيّن للوصول إلى المعنى.

٤) هي من محاصيل ما بعد الحداثة التي تنقد مكانة العقل في الفكر الغربي.

۶۹- عيّن الخطأ فيما يتعلّق بموضوع «المحاكاة»:

۱) عبّر النقّاد المعاصرون عن المحاكاة بـ «النصّية» و موت صاحب النصّ بعد نشره.

۲) يجب الاتّصال بالآداب الأُخرى ضمن المحافظة على هويّة الأديب.

۳) يعتقد النقّاد بعدم ملكيّة النصّ للأديب بل هو ملك للجميع.

٤) تؤدّي المحاكاة إلى تقويض الأدب القومي أو تهمّش هويّته.

۷۰- عيّن الخطأ عن «أفق توقّع القارئ»:

۱) يختلف من قارئ إلى قارئ حسب ثقافته و جنسه. ۲) هذا الأفق يحدّده النصّ و ظروف نشأته.

۳) هذا الأفق يحدّد معنى النصّ. ٤) لا يوجد أفق مغلق أو ثابت.

■■ إقرأ النصوص التالية (الف – ب– ج– د– هـ– و– ز) ثمّ أجب عن الأسئلة التالية (۷۱–۱۰۰) بما يناسب

الف: (۷۱–۷٤)

قال الله تعالى في كتابه المجيد في سورة الحاقّة:

﴿ فأمّا مَن أُوتِيَ كِتابهُ بيمينِهِ فيقولُ هاؤُمُ اقرَؤوا كتابيَه، إنّي ظَنَنتُ أنّي مُلاقٍ حِسابِيَه، فهو في عِيشةٍ راضيةٍ، في جَنّةٍ عاليةٍ، قُطوفُها دانيةٌ، كُلوا وَ اشرَبوا هَنيئًا بما أسلفْتم في الأيّام الْخَالِية، و أمّا مَن أُوتِيَ كتابهُ بشِمالِه فيقول يَا ليتني لم أُوتَ كتَابِيَه، و لم أَدْرِ مَا حِسَابِيَه، يَا ليتها كَانت الْقَاضِيَةَ، مَا أَغنَى عَنّي مَالِيَه، هلك عَنّي سُلطانِيَه﴾

۷۱- عيّن ما لا يناسب توصيف الآيات:

۱) إنّ أصحاب الشّمال كانوا في الدّنيا أُولي الثّروة و الهيمنة.

۲) إنّ الكيل على أساس العمل، فمن لم يكن له فلا يلاقي الهناء و الفرح.

۳) إزالة الحجاب عن القلوب لا تختصّ باليمينيّين، بل الشّماليّين أيضًا كذلك.

٤) الملائكة يطلبون من النّاس أن يقرؤوا صحيفة اليمينيّين و ما عملوا في الدّنيا.

۷۲- **عيّن الصحيح:**

۱) يا ليتها كانت القاضية: حبّذا لو كانت تلك الموتة قاطعة لأمري و لم أُبعث!

۲) كلوا واشربوا هنيئًا: استفيدوا من النّعم في حالة مريحة مستسيغة!

۳) هلك عنّي سلطانيه: عرشي و إمارتي قد زالا و لم يبقيا!

٤) أسلفتم في الأيّام الخالية: أقرضتم في الأيّام الموحشة!

۷۳- **من الغرائب المذكورة في الآيات:**

۱) توصيف الدّنيا بالأيّام الخالية! ۲) للحياة في الجنّة نفسها شعور و إدراك!

۳) ثمرات الأشجار في متناول يد الجانين! ٤) كون الجنّة واقعةً في مكان عالٍ مرتفع شأنًا!

۷٤- **كيف وُصف أصحاب اليمين و أصحاب الشّمال في الآيات المذكورة؟ عيّن الخطأ:**

۱) لا ينكر أحد منهم ما جاء في ملفّه.

۲) في بادئ الأمر ملفّهم يُقرأ على رؤوس الأشهاد.

۳) انكشف الحجاب عن عيون الشّماليين فأدركوا أنّ تصوّراتهم أمنيّات لم تتحقّق.

٤) اليمينيون ينادون من شدّة الفرح و يطلبون من الآخرين أن ينظروا و يقرؤوا صحيفة أعمالهم.

ب: (۷۵-۷۷)

قد جاء في نهج البلاغة من قول الإمام (ع):

ألا إنّ الدّنيا دار لا يُسلَم منها إلّا فيها و لا يُنجَى بشيء كان لها. أبتُلي النّاسُ بها فتنةً، فما أخذوه منها لها أُخرجوا منه و حوسبوا عليه، و ما أخذوه منها لغيرها قَدِموا عليه و أقاموا فيه؛ فإنّها عند ذوي العقول كَفَيء الظّلّ، بينا تراه سابغًا حتّى قَلَصَ، و زائدًا حتّى نَقَصَ .... إنّ غائبًا يَحدوه الجَديدان اللّيلُ و النّهارُ، لحَريٌّ بسرعة الأوبةِ، و إنّ قادمًا يَقدُم بالفَوز أو الشّقوة لمُستحِقٌّ لأفضلِ العُدّة!

۷۵- **عيّن أقرب عبارة في النصّ تقترب من العبارة التالية مفهومًا: « فتزوّدوا في الدّنيا من الدّنيا!»**

۱) إنّها عند ذوي العقول كفَيء الظلّ! ۲) ما أخذوه منها لها أُخرجوا منه!

۳) إنّ الدنيا لا يسلم منها إلّا فيها! ٤) إنّ الدنيا ..... لا يُنجى بشيء كان لها!

۷٦- **عيّن الخطأ**: الدّنيا عند أُولي الألباب .....

۱) لها وجهان لا يجتمعان حيث إنّ وجهًا منها يضادّ الآخر.

۲) محذّرة يجب أن يبتعد النّاس عنها و يزهدوا فيها.

۳) وسيلة للوصول إلى الغايات السّامية.

٤) محدّدة ما إن تأتي حتّى تذهب.

۷۷- عيّن الصحيح:

۱) بينا تراه سابغًا حتّى قلص: زمانی‌که دنیا را فراگیر می‌یابی، بلافاصله کوتاه می‌شود!

۲) ما أخذوه منها لها أُخرجوا منه: هرچه از دنیا برای خود گرفته‌اند از آن بیرون می‌آورند!

۳) إنّ غائبًا يحدوه الجديدان اللّيل و النّهار: قطعًا مرگی که شب و روز آن را به جلو می‌راند!

٤) إنّ قادمًا يقدم بالفوز أو الشقوة: بی‌شک مسافری که به وسیلهٔ رستگاری یا شقاوت گام برمی‌دارد!

ج: (۷۸-۸۲)

قد أنشد لبيد بن ربيعة:

۱- بَلينا و ما تَبلَى النّجومُ الطّوالعُ — و تَبقى الجبالُ بعدَنا، و المصانعُ

۲- و قد كنتُ في أكنافِ جار مَضنّةٍ — ففارقَني جارٌ بأربدَ نافعُ

۳- فلا جَزِعٌ، إن فَرّق الدّهرُ بيننا — فكلُّ فتًى يومًا به الدّهرُ فاجعُ

٤- و ما النّاسُ إلّا كالدّيارِ، و أهلُها — بها، يومَ حَلُّوها، و غَدوًا، بَلاقعُ ...

٥- أليس وَرائي، إن تَراخت مَنيّتي — لُزومُ العَصا تُحنَى عليها الأصابعُ

٦- أُخبِّر أخبارَ القرون الّتي مضت — أدِبُّ كأنّي كلّما قُمتُ راكعُ

۷- فأصبحتُ مثلَ السّيف أخلق جَفنُه — تَقادُمُ عهدِ القَينِ، و النّصلُ قاطعُ ...

۸- أعاذِلَ، ما يُدريكِ إلّا تَظَنّيًا — إذا رحلَ السُّفّارُ مَن هو راجعُ ...

۹- لَعَمرُك، ماتَدري الضّوارِبُ بالحَصى — و لا زاجراتُ الطّيرِ ما اللهُ صانعُ!

۷۸- عيّن رقم البيت الّذي يناسب مفهوم الآية التالية: ﴿ و من نُعمّره نُنكّسه في الخلق﴾

۱) الرابع ۲) الأوّل ۳) السابع ٤) الخامس

۷۹- عيّن رقم البيت الّذي فيه مفهوم الآية التالية: ﴿ كلّ من عليها فانٍ﴾

۱) الرابع ۲) الثالث ۳) الخامس ٤) الثامن

۸۰- عيّن الخطأ حول رؤية الشاعر:

۱) على أساس معتقدات الشاعر البلى غاية كلّ حيّ دون مظاهر الطبيعة.

۲) كان الشاعر مؤمنًا بالله و إنّما الحياة عنده جسر نعبر عليه و ما هي إلّا رحلة.

۳) لا يرغب الشاعر في الشيخوخة لأنّه آنذاك يجب أن يروي للآخرين أخبار الماضين.

٤) إنّ الجسم مجرّد هيكل و شكل خارجيّ، في حين تكمن القوّة في الجوهر و هو الروح.

۸۱- عيّن رقم البيت الّذي يدلّ على أنّ الشّاعر لم يكن يؤيّد الأفكار الخرافيّة:

۱) الثامن ۲) السابع ۳) التاسع ٤) الرابع

۸۲- عيّن الصحيح:

۱) في البيت الثامن يوبّخ الشاعر لائمته و يقول إنّ من مات لا يعود.

۲) في البيت التاسع يشير الشاعر إلى أُسلوبين من أساليب الحياة الجاهلية.

۳) في البيت السادس يصرّح الشاعر بأنّ مهنته في قبيلته كانت نقل الأخبار و ذكر القصص.

٤) في البيت الأوّل يشير الشاعر إلى وجود أماكن باسم المصانع يعمل الناس فيها و يصنعون الأشياء.

د: (۸۳-۸۷)

قد انشد المتنبّي مادحاً سيف الدولة:

۱- بغيرك راعيًا عبث الذّئاب و غيرك صارمًا ثلم الضرابُ
۲- و تملك أنفسَ الثّقلين طرًّا فكيف تحوز أنفسها كلابُ
۳- و ما تركوك معصيةً ولكن يُعاف الورد والموت الشّرابُ
٤- طلبتهم على الأمواه حتّى تخوّف أن تُفتّشه السّحابُ
٥- فبتّ لياليًا لا نومَ فيها تَخبّ بك المسوّمةُ العِرابُ
٦- فقاتلَ عن حريمهم و فَرّوا ندى كفّيك و النّسب القُرابُ
۷- فعُدن كما أُخذن مكرّماتٍ عليهنّ القلائدُ و المَنابُ
۸- و كيف يتمّ بأسُك في أُناس تُصيبهم فيؤلمك المُصابُ

۸۳- عيّن الصحيح في ترجمة البيت الأوّل:

۱) الذئاب من المتمرّدين استباحت دم الجميع إلّا أنت حين كنت راعيًا و السيوفُ كسرت سيوف الجميع إلّا أنت!
۲) لا فائدة من الذّئاب إذا كان الراعي غيرَك! و هذا في وقت أنّ الآخرين إذا كانوا متمرّسين فيحدثون الثلمات و الفجوات!
۳) العابثون يلعبون بالجميع ولكن بك لا يستطيعون، و إذا كان غيرك سيفًا قاطعًا فذلك يحدث شقّة في آلتهم الحربيّة!
٤) إذا ما كنت راعيًا فالذّئابُ تفعل ما تشاء، و إن لم يكن السّيف بيدك فتتفطر السيوفُ و لا أثر لأيّة ضربة عليهم!

۸٤- عيّن رقم البيت الذي يتّفق في المفهوم مع البيت التالي:

« قومي هم قتلوا أُميم أخي فإذا رميت يصيبني سهمي»

۱) الخامس ۲) الثامن ۳) السادس ٤) الثالث

۸٥- عيّن الخطأ:

۱) إنّ المتمرّدين كانوا من أقرباء سيف‌الدّولة.
۲) كان سيف‌الدولة يُحبّ المشاغبين فلم يُرد أن ينال منهم.
۳) لم يقم سيف‌الدولة بسبي المتمرّدين فأطلق سراحهم و اجتنب الأذى عليهم.
٤) في القصيدة نجد إخلاص الشاعر لسيف‌الدولة حيث يشجّعه ضدّ جماعة المتمرّدين.

۸٦- كيف أرى الشاعرُ نفسه في القصيدة؟ عيّن الخطأ:

۱) غير مُراعٍ قواعد اللّغة الفصحى!
۲) محبًّا للعاصين و مخلصًا وفيًّا للملك!
۳) مدافعًا عن السّلطة و جاعلها مقدّسة سماويّة!
٤) خادعًا لجماعة العاصين و واصفًا إيّاهم بالجبناء!

Www.arabimahya.com

۸۷- كيف يصف الشاعر تعقيب سيف‌الدولة المتمرّدين؟ عيّن الصحيح:
۱) من دون أن يتبعهم و يؤدّبهم عادوا إلى طاعته.
۲) بجيش عُزّل و فوارس مستميتين واجه جماعة الفارّين.
۳) كان ساهرًا ليالي و هو يسرع و يعدو بالخيول العربيّة باحثًا عنهم.
٤) كان جادًّا في أمره فكأنّه يبحث عنهم داخل الغيوم خائفًا ليجدهم و يقبض على أيديهم.

هـ: (۸۸-۹۲)
قد أنشد الشريف الرضي:

۱- نبّهتهم مثل عوالي الرّماح إلى الوغى قبل نموم الصّباح
۲- فوارسٌ نالوا المُنى بالقنا و صافحوا أغراضَهم بالصّفاح
۳- لغارة سامعُ أنبائها يغضّ منها بالزّلال القراح
٤- ليس على مُضرمها سُبّةٌ و لا على المُجلب منها جُناح
٥- قد آن للقلب الّذي كدّه طولُ مناجاة المنى أن يراح
٦- لابدّ أن أركبها صعبة وقاحة تحت غلام وَقاح
۷- يَجهدها أو ينثني بالرّدى دون الّذي قد رأوا بالنجاح
۸- الراح و الراحة ذُلُّ الفتى و العزُّ في ضرب ضريبِ اللقاح
۹- و أشعثَ المفرق ذي همّة طوّحه الهمُّ بعيدًا فطاح
۱۰- لمّا رأى الصبرَ مضرًّا به راح و من لم يُطق الذلّ راح

۸۸- عيّن الصحيح: عند الشّاعر الفوز و النجاح حليف من كان .....
۱) صحراويًّا أعزل تربّى تربية بدويّة! ۲) أهل الجدّ و الجُهد و الجهاد!
۳) فارسًا ضاجرًا لا يترك السيف من يده! ٤) صابرًا مستريحًا لم يكن يتحمّل الذلّة!

۸۹- عيّن الصحيح: الممدوح عند الشاعر هو الّذي .....
۱) يرفض الراحة و يختار ركوب الفرسان! ۲) يترك الصبر في مواجهة الذلّ دومًا!
۳) يشعر باللؤم و العار إذا لم يشعل الحروب! ٤) يلوذ بالسيف للوصول إلى غايته!

۹۰- بم لم يصف الشّاعر هؤلاء الجنود الممدوحين في الأبيات المذكورة؟
۱) السامعين أخبار الغارات. ۲) مستقيمي القامة، منتصبين.
۳) أبناء الحرب و أصحاب السيف. ٤) المرهقين بعد طلب الأماني.

۹۱- عيّن الصحيح:
۱) حين أُخبر الجنود بالغارة فهم لم يستسيغوا الماء فكأنّهم وقف الماء الزّلال في حلقهم!
۲) إنّ الجنود استقاموا و أخذوا وعيهم بعد أن قام الشاعر بتنبيههم لهذه الغارة القاسية!
۳) في رؤية الشاعر أنّ إشعال نار الحرب لا يسبّب إلحاق العار على من شنّوها!
٤) قبل انتهاء الصبح و قبيل الضحى أُخبر الجنود بوقوع حرب شديدة ضارية!

۹۲- عيّن الخطأ فيما يُدرَك من البيتين الثامن و التاسع:

۱) يذلّ الخمر و الراحة الإنسان و إنّ الشرف في ركوب المطايا و إزالة الخلافات و اتّخاذ الهمم البعيدة.

۲) إنّ التربية الصحيحة الّتي يغدو بها الإنسان شجاعًا صارمًا توجد في أحضان البادية.

۳) العزّة لمن لا يعتني بظاهره لكنّه ذو إرادة حيث إنّها تقوده إلى ركوب المهالك.

٤) الفتى المنشود لا يهتمّ بمنظره و يرغب في الحياة الصحراوية.

و: (۹۳-۹۷)

قد أنشد أبوالعلاء المعرّي:

۱- تجنّبتُ الأنام فلا أُواخي و زدتُ عن العدوّ فلا أُعادَى

۲- و لو أنّ النجوم لديّ مالٌ نفت كفّاي أكثرَها انتقادا

۳- كأنّي في لسان الدّهر لفظ تضمّن منه أغراضًا بعادا

٤- و لو أنّي حبيت الخلد فردًا لَما أحببتُ بالخلد انفرادا

٥- فلا هطلت عليّ و لا بأرضي سحائبُ ليس تنتظم البلادا

٦- و كم من طالب أمدى سيلقى دُوينَ مكاني السّبع الشدادا

۷- يؤجّج في شعاع الشّمس نارا و يقدح في تلهُّبها زنادا

۸- فلا و أبيك ما أخشى انتقاصًا و لا و أبيك ما أرجو ازديادا

۹- و كم عينٍ تؤمّل أن تراني و تفقد عند رؤيتي السوادا

۱۰- و لو ملأ السها عينيه منّي أبرَّ على مدى زحل و زادا

۹۳- في أحد الأبيات ينكر الشاعر عن نفسه الأنانية و الأثرة، ما ذاك البيت؟

۱) الثاني ۲) الخامس ۳) السادس ٤) الثامن

۹٤- عيّن رقم البيت الّذي يطلب الشاعر من معارضيه أن يريحوا أنفسهم؛ لأنّهم لا يستطيعون أن ينالوا منه.

۱) الثالث ۲) الرابع ۳) الثامن ٤) السابع

۹٥- عيّن رقم البيت الّذي يقول الشاعر إنّه لو اختبر الأصدقاء قبل اختيارهم ليُعرض عن الكثير منهم؛ لما ظهر له من عدم إخلاصهم.

۱) التاسع ۲) الثامن ۳) الثاني ٤) الرابع

۹٦- لم يستعن الشاعر بالصورة التالية للفخر بنفسه:

۱) إنّ عيون الناظرين من مناوئيه تفقد الحدقة عند رؤيته!

۲) النجوم الخفيّة لو نظرت إليه زاد نورها حتّى تفوق الأُخرى!

۳) هو الشّمس و الآخرون أنوار ضعيفة، فهل يقارن هذه بتلك!

٤) هو السحاب و الآخرون رعود و بروق، حيث لا تنفع بها البلاد!

۹۷- أيّ موضوع لم يُذكر في الأبيات المذكورة؟

۱) الإشادة بالدهر و بيان أنّه يشيد بالشاعر.

۲) بغضه للأثرة فإنّها ممّا لم يرغب الشّاعر فيها.

۳) معاداة الدهر حيث إنّه لم ير من الشاعر ما يوافقه.

٤) عجز الأعداء عن منافسة الشاعر وعدم قدرتهم على مُعاداته.

ز: (۹۸-۱۰۰)

قد أنشد بدر الشاكر السّياب:

تمّوز يموت على الأُفق
و تغور دماه مع الشّفق
في الكهف المغتمّ و الظلماء

۹۸- **عيّن الصحيح:**« تمّوز » إشارة إلى .....

۱) إله الحياة و الموت. ۲) أُسطورة العدالة و الصدق.

۳) إله الحبّ و العشق. ٤) أُسطورة الغضّ و الاخضرار.

۹۹- **عيّن الصحيح:** قد أنشد الشّاعر هذه الأبيات بعد .....

۱) نكسة اجتماعيّة. ۲) انتصار شعبيّ.

۳) زهوق الباطل. ٤) خروج المستعمرين.

۱۰۰- عيّن الخطأ:

۱) قد زال النموّ و الزرع و الانتاج و انجرّت البلاد إلى مزلق مهلك!

۲) يقصد الشاعر موت الإبداع و هيمنة الجهل و الخرافة على البلاد!

۳) على الرغم من أنّ مصادر النور قد أُخمدت إلّا أنّ الراية الحمراء للثأر لا تزال مُرفرفة!

٤) الحمرة الباقية في السّماء كلّ يوم تصرخ بأعلى صوت أنّ الحركة و الحيويّة و النشاط لن تموت!

Www.arabimahya.com